

آموزش و بهره‌وری

Education and Productivity

بهره‌وری عبارت از نسبت ستانده به نهاده‌های به‌کاررفته یا حاصل جمع کارایی و اثربخشی است. صاحب‌نظران دانش مدیریت و اقتصاد بر این باورند که آموزش اثربخش قادر است از طریق ارتقای سطح مهارت‌ها، بهره‌وری افراد را بهبود بخشد. در چارچوب نظریه‌های اقتصادی، آموزش به چهار گونه بهره‌وری را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

ابتدا، براساس نظریه سرمایه انسانی، آموزش مهارت‌های ارزشمندی را به نیروی کار منتقل و قدرت تولید و بهره‌وری آنان را افزایش می‌دهد (Conrad, ۲۰۱۷). بهره‌وری بالاتر افراد تحصیل‌کرده موجب می‌شود تا آنان سهم بیشتر در تولید داشته و از دستمزدهای بالاتری بهره‌مند شوند. مهارت‌های افراد تحصیل‌کرده سبب می‌گردد تا آنها نه تنها بهره‌وری کار خود، بلکه بهره‌وری همکاران گروه خود را نیز ارتقاء بخشند (De La Fuente, ۲۰۱۱). افزون بر این، تحصیلات موجب می‌شود تا افراد با یادگیری از طریق انجام کار و کسب سریع‌تر تجربه به پیشرفت‌های بیشتری دست یابند.

دوم آنکه، نظریه علامت‌دهی (Signalling) اظهار می‌دارد که افراد تحصیل‌کرده دستمزدهای بالاتری را دریافت می‌دارند، نه به این دلیل که در دوران تحصیل مهارت‌های ارزشمندی را آموخته‌اند، بلکه بدان علت که سازمان‌ها میزان تحصیلات فرد را به عنوان علامتی به کار می‌برند تا بین نیروی کار باکیفیت و بی‌کیفیت تمایز قائل شوند (Chevalier et al., ۲۰۰۴). این نظریه بر این ایده استوار است که تحصیلات فرد با توانمندی‌های وی قبل از کسب مهارت‌های آموزشی همبستگی دارد. به عبارت دیگر، فردی که توانسته در نظام آموزشی برای دوره طولانی دوام آورد و مدارج تحصیلی خود را با موفقیت به پایان برساند، با وجود مهارت‌هایی که دریافت کرده، خود به تنهایی از نگاه مدیران بنگاه علامتی از قابلیت‌های اوست. بنابراین، تحصیلات فرد دلالت بر توانایی‌های وی دارد و بنگاه‌ها بر این باورند که

افراد تحصیل‌کرده‌تر در مقایسه با دیگران از بهره‌وری بالاتری برخوردارند (McGivney and Winthrop, ۲۰۱۶).

سوم آنکه، افراد با تحصیلات یکسان ممکن است از سطح مشابهی از بهره‌وری برخوردار نباشند. زیرا، تفاوت‌های محیطی ممکن است تأثیر آموزش بر بهره‌وری را کاهش یا افزایش دهد. بنابراین، بازده تحصیلات برای افرادی که در محیط‌های پویاتر زندگی یا کار می‌کنند ممکن است بالاتر باشد. چراکه شرایط محیطی امکان و قابلیت دسترسی به اطلاعات و استفاده از آن را بهبود می‌بخشد (Conrad, ۲۰۱۷). افزون‌براین، افراد تحصیل‌کرده در تولید و انتقال تکنولوژی از مزیت نسبی بالاتری برخوردارند و تقاضای بالاتری در بازار کار دارند.

چهارم آنکه، از دیدگاه کلان افراد تحصیل‌کرده به دو علت از بهره‌وری بالاتری برخوردارند. (۱) به واسطه آگاهی‌های بیشتری که دریافت کرده‌اند، عموماً از سلامت نسبی بالاتری برخوردار و حضور مؤثرتری در محل کار خود دارند. افراد سالم انگیزه بیشتری برای انجام درست کار دارند و امکان بروز خلاقیت و نوآوری در آنها بیشتر است و در محیط کار از بهره‌وری بالاتر برخوردارند. (۲) افراد تحصیل‌کرده عموماً امید به زندگی بالاتری دارند. این افراد به دلیل رعایت بهداشت و تغذیه بهتر عموماً عمر طولانی‌تری دارند و سال‌های بیشتری در بازار کار به فعالیت مشغولند و ارزش افزوده بیشتری را برای جامعه تولید می‌کنند (Bloom et al., ۲۰۰۴). بالاتر رفتن امید به زندگی سبب شده تا بازده سرمایه‌گذاری در آموزش نیز افزایش یابد.

کتاب‌شناسی

- Chevalier, A. et al. (۲۰۰۴). "DOES EDUCATION RAISE PRODUCTIVITY, OR JUST REFLECT IT?", *The Economic Journal*, ۱۱۴ (November),
- Bloom, D. E., D. Canning, and J. P. Sevilla. (۲۰۰۴). "The Effect of Health on Economic Growth: A Production Function Approach", *World Development*, ۳۲ (۱): ۱-۱۳.
- Conrad, D. (۲۰۱۷). "Education's Contribution to Economic Growth", <https://mpra.ub.uni-muenchen.de/۷۷۳۶۵/>
- De La Fuente, A. (۲۰۱۱) "Human Capital and Productivity". *Nordic Economic Policy Review*, Vol. ۲, No. ۲, pp. ۱۰۳-۱۳۲, <http://pareto.uab.es/wp/۲۰۱۱/۸۶۰۱۱.pdf>.

McGivney, E. and R. Winthrop, (۲۰۱۶) : "Education's Impact on Economic Growth and Productivity",
<https://www.brookings.edu/wp-content/uploads/۲۰۱۷/۱۲/educations-impact-on-productivity.pdf>

مصطفی عمادزاده
گروه اقتصاد دانشگاه اصفهان

